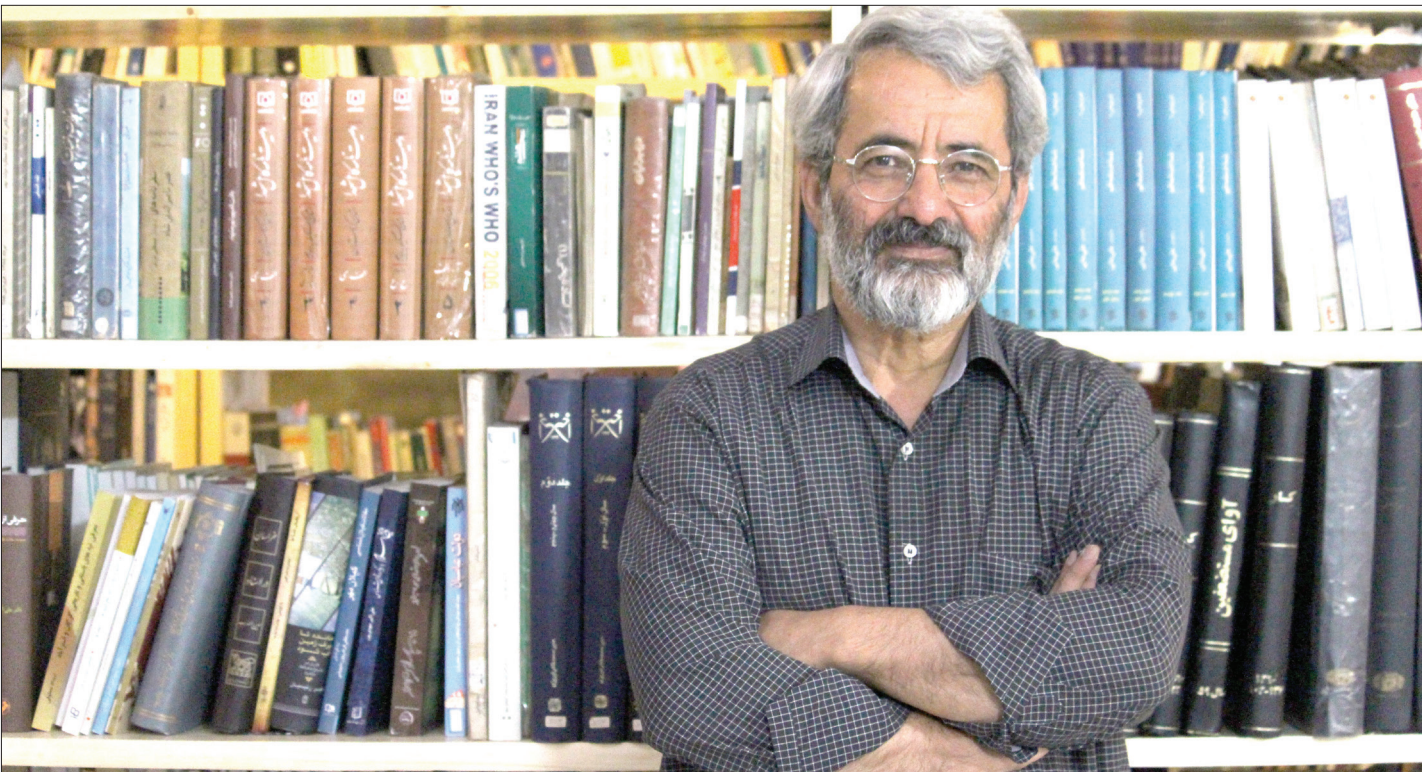


عباس سلیمی‌نمین، تحلیلگر سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# در اقلان بخش‌های مختلف جامعه دچار ضعف هستیم



عکس: وحید سرینی / فرهنگستان

**حانیه موحدین**  
دبیر گروه راهبرد

روز یکشنبه وزیر کشور به گفت‌وگو با خبرنگاران نشست. رحمانی فضلی اعلام کرد مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۴۲/۵ درصد بوده است. اگرچه میزان دقیق مشارکت در تهران تا لحظه نگارش این چند خط هنوز به صورت رسمی اعلام شده است و بر اساس گمانه برای پایتخت نیز مشارکتی بیست و چند درصدی متصور است. عباس سلیمی‌نمین از آن دست تحلیلگران سیاسی است که تأکید دارد این عدم مشارکت کم‌سابقه میان مردم از یاس جامعه ناشی می‌شود، یاسی که از عملکرد دولت و اصلاح‌طلبان ناشی شده است. همان‌گونه که در انتخابات شورای شهر نیز چنین کاهش مشارکتی را شاهد بودیم. بر این اساس مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، سهم رد صلاحیت‌ها در این کاهش مشارکت را بیش از همان ۲/۵ درصد نظر سنجی‌های پیش از انتخابات نمی‌داند اگرچه معتقد است اگر کسی صرفاً به خاطر انتقاد به بررسی عملکرد دها رد صلاحیت شده باشد، قطعاً خطاست. او همچنین معتقد است در اقلان همه بخش‌های جامعه دچار ضعف و مشکل هستیم.

از سلیمی‌نمین در خصوص پیام و معنای رای به اصولگرایان هم پرسیدم. این تحلیلگر مسائل سیاسی معتقد بود قطعاً بخشی از رای به دلیل ترس از عملکرد آقایی است که در شرایط کنونی مناصب را در اختیار دارند و بخشی از جامعه هم احساس می‌کند، می‌توان در امور مختلف مثلاً در برخورد با مفاسد بهتر عمل کرد. از این رو تأکید دارد که جناح پیروز مراقب باشد که مسائل فرعی را اصلی نکنند و برخی دعوای جای توجه به مسائل مردم را بگیرد که اگر این‌گونه شود فرصت‌سوزی و لطمه جدی به اعتماد مردم خواهد خورد. اقدام کارگزاران در ارائه لیست انتخاباتی که از نگاه این تحلیلگر شکستن ترس از تندروها تحلیل شد و اینکه هر دو جناح از امر رو به بعد باید چه کنند هم از دیگر محورهای این گپ‌وگفت مفصل بود. عباس سلیمی‌نمین تأکید داشت هر دو جناح باید در مقابل تندروهای خود بایستند.

**به نظر شما پیام میزان آرای انتخابات مجلس یازدهم چه آن ۴۲/۵ درصدی که مشارکت داشتند و چه آن ۵۷/۵ درصدی که مشارکت نداشتند، چه بود و چه عواملی را می‌توان بر این میزان رای اثرگذار دانست؟**  
قطعاً، ضمن گرامیداشت احساس بسیار سازنده مردم نسبت به سرنوشت خود، باید همه مطالبات رای دهندگان و هم مطالبات کسانی که به هر دلیلی نسبت به سرنوشت خود قدری بی‌تفاوتی نشان دادند، بررسی جامع صورت گیرد. اینچنین نیست فقط مطالبات کسانی که رای دادند مورد توجه واقع شود. آنهایی که رای ندادند هم علی‌القاعده به‌عنوان شهروندان این سرزمین و بوم یک‌سری مسائلی در حول و حوش آنها وجود دارد که باید آن مسائل را دید. اولین بحثی که در این زمینه به ذهن می‌رسد نوعی احساس یأس در برخی اقشار جامعه مشاهده می‌شود. یأس از اینکه ما نمی‌توانیم خیلی در روند امور جامعه تأثیر بگذاریم. برخی عملکردها قطعاً اقشاری از جامعه را به این جمع‌بندی رسانده که این مسیوق به سابقه است؛ یعنی در گذشته هم شرایط اینچنینی وجود داشته است.

**مثلاً در چه مقطعی؟**

مثلاً مقطع شکل‌گیری مجلس هفتم یا در شکل‌گیری شورای شهر دوم اینچنین بود. به‌خصوص در رابطه با شکل‌گیری شورای شهر دوم به‌هیچ‌وجه تصور نمی‌شد مشارکت به‌شدت تنزل یابد. تصور این بود که در رابطه با نامزدها نوعی ولنگاری صورت گرفته، یعنی حتی کسانی که براساس قانون نمی‌توانستند خود را به‌عنوان کاندیدا معرفی کنند آنها هم نامزد انتخابات بودند، از سلطنت طلب تا نهضت آزادی کاندیدا شده بودند. چون نظارت یا مجلس بود، مجلس ششم هم خیلی با دست و دل بازی صلاحیت همه اینها را تأیید کرد. اما در آن انتخابات شاهد بودیم مشارکت به‌صورت کم‌نظیری کاهش یافت. تنها ۱۲ درصد در تهران مشارکت داشتیم در حالی که انتظار می‌رفت حالا که اعضای جریانات مختلف به‌عنوان کاندیدا در انتخابات هستند احساس شوری ایجاد و موجب بالا رفتن مشارکت شود ولی اینچنین نشد و چنین چیزی را شاهد نبودیم. علت عمده می‌یاسی بود که از عملکرد این آقایان اصلاح طلب در شورای شهر اول و به‌طور کلی از این جریان، جامعه دریافت کرده بود. در واقع این احساس یأس و ناامیدی غلبه یافته بود لذا جامعه یا بخشی از جامعه به این سو سووق یافت که مشارکت نکند. این را در برخی مقاطع دیگر هم شاهد بودیم.

**پس با این با وصف اینکه برخی در تلاشند که بگویند عدم وجود رقابت شدید در برخی حوزه‌ها باعث کاهش مشارکت شده، از سوی شما منتفی است؟**  
در همین انتخابات اخیر در برخی حوزه‌هایی که رقابت بسیار قوی بود و کاندیداهای اصلاح طلب هم رای آوردند، به‌شدت مشارکت پایین بود.

**مثل چه حوزه‌ای؟**

مثلاً آذربایجان شرقی اینچنین بود. آقای مسعود پزشکیان رای آوردند ولی مشارکت پایین بود. این استدلال غلط است. نمی‌خواهم بگویم کلاً تأثیر ندارد؛ تأثیرگذار است اما چه درصدی هستند؟ در نظر سنجی‌های پیش از انتخابات تنها ۲/۵ درصد بیان کردند به علت عدم امکان رقابت مشارکت نمی‌کنند. عمده کسانی که مشارکت نکردند ناشی از یک نوع یاسی است که می‌گویند نمی‌توانیم تأثیر بگذاریم. عملکردهایی را شاهد بودند که منجر به یأس شده است.

**از این مساله جریان اصلاحات می‌تواند این مصادره به مطلوب را داشته باشد که اگر ناامیدی از عملکرد هم وجود دارد و حتی یأس به‌واسطه عملکرد ما ایجاد شده، مدعی شود این طیفی که حدود ۶۰ درصد هستند و رای ندادند، هوادار اصلاح طلب‌ها بودند؟**

خیر. برعکس از عملکرد اصلاح طلبان به‌شدت سرخورده شدند و به همین دلیل به میدان نیامدند. در واقع عملکرد آنها شاکف حاکمیتی بین مردم و حاکمیت ایجاد کرده است. عملکرد آنها موجب نوعی سرخورگی از مسائل سیاسی شده است. دعوایی که ایجاد کردند، بی‌توجهی‌هایی که به مردم کردند و مسائل مختلفی که این دولت با انتخاب اصلاح طلبان روی کار آمد و تمام توان خود را برای روی کار آمدن این دولت گذاشتند، ولی در نهایت یک احساس

**که اشاره داشتید به نظر شما اثر چندانی در میزان مشارکت و حس اثرگذاری مردم ندارد؟**

در مجموع قانون انتخابات قطعاً باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد. قانون انتخابات موجب می‌شود که ما یعنی هم ساختار و هم افکار عمومی، با مشکلاتی مواجه شویم.

وقتی قانون انتخابات به‌گونه‌ای است که هر کسی می‌تواند با کمترین شرایط ثبت نام کند و حجم قابل توجهی از ثبت نام کنندگان در مدت کوتاهی باید کف صلاحیت‌هایشان براساس قانون بررسی شود؛ این در عمل ناممکن می‌شود یا درصد خطا به‌گونه‌ای می‌شود که یک‌سری تبعاتی را به وجود می‌آورد. قطعاً شورای نگهبان متکی به یک ساختاری به نام هیات‌های نظارت است. هیات‌های نظارت در یک مدت کوتاه قانونی باید این میزان پرونده‌ها را مورد بررسی قرار دهند یا احراز یا بررسی صلاحیت کنند. در برخی جاها نمی‌توانند احراز صلاحیت کنند چون افرادی که هیچ شناختی از آنها در جامعه وجود ندارد ثبت نام کرده‌اند و باید تحقیقات کنند تا به یک جمع‌بندی درباره احراز صلاحیت برسند. تعداد

**این ضعف در عدم اغنا تنها از ناحیه دولت است یا بقیه ارکان حاکمیتی هم این مشکل را با شدت و ضعف متغیر دارند؟**

قطعاً متوجه همه بخش‌ها می‌شود که البته قوه مجریه باید بخش‌های به‌خصوص اجرایی را به لحاظ بودجه یا امکانات دیگر تقویت کند تا مسیر اغنای جامعه هموارتر شود. این یکی از مشکلات امروز ما در ارتباط است.

البته مطالبات دیگری هم وجود دارد که به این مطالبات باید توجه کرد. نباید تأثیرگذاری در روند امور جامعه را منحصر به انتخابات کنیم. حتماً باید این مساله را گسترش دهیم. جامعه باید این احساس را داشته باشد که همواره می‌تواند در سرنوشت خود تأثیرگذار باشد. باید برخی شفافیت‌ها صورت گیرد، برخی بسترها برای اینکه مردم بعد از مطلع شدن از برخی ناهنجاری‌ها بتوانند نظر خود را اعلام کنند باید ایجاد شود و مردم باید بتوانند نظر خود را پیش ببرند. یعنی اگر جامعه فی‌مابین انتخابات با برخی موضوعاتی مواجه شد که آن را نمی‌پسندید و آن را نامناسب می‌یافت بتواند در این قضیه تأثیرات لازم را هم بگذارد. در این زمینه اراده نظام را مثبت می‌دانیم یعنی اراده نظام بر این است که در فی‌مابین انتخابات هم نظر مردم اعمال شود، اما بسترهای فراهم نشده است. بخشی از بسترهای به قوه مجریه بر می‌گردد و برخی دیگر به سایر نهادهای حاکمیتی بر می‌گردد. قطعاً نهادهای حاکمیتی هم باید بتوانند بسترهای لازم را برای این امر فراهم کنند. قوه مجریه دادن مجوز و تعیین امنیت از طریق وزارت کشور را باید دنبال کند، اما کسانی که در میدان عمل باید فعالیت کنند؛ همانند نیروی انتظامی و تشکیلات اطلاعاتی و بخش‌های مختلفی که در این زمینه می‌توانند به‌گونه‌ای عمل کنند که مردم با کمترین هزینه بتوانند نظرات خود را نسبت به تصمیم‌سازی‌ها، یا نسبت به برخی عملکردها، یا نسبت به برخی کاستی‌ها بیان کنند باید بتوانیم حل کنیم؛ تا نوعی شور و احساس مثبتی در جامعه ایجاد شود. در این حالت جامعه احساس می‌کند اگر افرادی را انتخاب کردند اما در میانه راه احساس کردند آنها به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند یا تصمیمات خطایی اتخاذ کرده‌اند بتوانند در میانه راه هم آنها را برای اصلاح عملکرد خود یا تغییر تصمیماتشان تحت فشار قرار دهند. این هم یکی از مسائلی است که به نظر من حتماً باید مدنظر قرار بگیرد تا بتواند این احساس مشارکت جامعه در مسائل خود را تقویت کند.

**اگر معتقد به ساختار قانونی باشد و صرفاً منتقد باشد چس؟ به این معنا که نسبت به برخی عملکردها نقد داشته باشد یا اینکه نظری متفاوت داشته باشد.**

اگر کسی به خاطر انتقاد به ساختار ردصلاحیت شده باشد اشتباه است و باید اصلاح شود؛ یعنی کسی انتقاد داشته باشد و به خاطر انتقاد امکان تأیید صلاحیت از او گرفته شود، قطعاً این خطاست. من هم نمی‌گویم امکان بروز این‌گونه خطا وجود ندارد. می‌گویم در این فرصت محدود قانونی امکان دارد این خطاها وجود داشته باشد و چنین خطاهایی پیش آید. از این رو باید هم تعداد نامزدها کم شود و هم فرصت برای بررسی بیشتر شود.

**اگر معتقد به ساختار قانونی باشد و صرفاً منتقد باشد چس؟ به این معنا که نسبت به برخی عملکردها نقد داشته باشد یا اینکه نظری متفاوت داشته باشد.**

اگر کسی به خاطر انتقاد به ساختار ردصلاحیت شده باشد اشتباه است و باید اصلاح شود؛ یعنی کسی انتقاد داشته باشد و به خاطر انتقاد امکان تأیید صلاحیت از او گرفته شود، قطعاً این خطاست. من هم نمی‌گویم امکان بروز این‌گونه خطا وجود ندارد. می‌گویم در این فرصت محدود قانونی امکان دارد این خطاها وجود داشته باشد و چنین خطاهایی پیش آید. از این رو باید هم تعداد نامزدها کم شود و هم فرصت برای بررسی بیشتر شود.

**رایی که مردم دادند چه مفهومی دارد؟ می‌تواند صرفاً به این معنا باشد که جناح اصولگرا و پیروز برای انتخابات با برنامه و خوب عمل کرده یا اینکه بخش اعظم رای را می‌توان، نه به عملکرد دولت و شرایط فعلی تفسیر کرد؟**

قطعاً بخشی از رای مردم به دلیل ترس از عملکرد آقایی است که در شرایط کنونی مناصب را در اختیار دارند؛ یعنی نگرانی‌ای که از جانب عملکرد اینها حاصل شده عامل رویکرد به طرف مقابل (اصولگرایان) است. یکی از عوامل این است ولی عوامل دیگری هم وجود دارد. در واقع کسانی که امروز می‌خواهند از کبان کشور دفاع کنند یا از اعتقادات، مبانی و استقلال کشور دفاع کنند نگرانی‌هایی دارند که فکر می‌کنند باید به صحنه بیایند تا بتوانند این نگرانی‌ها را برطرف کنند؛ به این معنی که با انتخاب بهتر یا با تمهید بهتری بتوانند این نگرانی‌ها را برطرف کنند. الان بخشی از جامعه ما احساس می‌کند بهتر می‌توان از استقلال کشور صیانت کرد یا با برخی مفاسد بهتر برخورد کرد و قطعیت بیشتری در برخورد با مفاسد نشان داد. اینها الان آمدند با یک پشتکاری در انتخابات مشارکت کردند تا این مسائل حل شود. حتماً باید مطالبات این قشر دیده شود. کسانی که انتخاب شدند اگر در این امر بی‌تفاوتی را مدنظر داشته باشند ضربه جدی به این قشری که به‌شدت دلسوز است و با حساسیت ویژه‌ای در انتخابات حاضر شده است. شرایط خاصی در کشور بوده اما اینها مشارکت کرده تا بتوانند در ارتباط با برخی مسائل تأثیرگذار باشند. قطعاً مطالبات این افراد باید دیده شود و در جهت مطالبات این قشر حرکت شود تا این اعتماد به وجود بیاید. اعتمادی که لطمه خورده و اعتمادی که دستخوش مسائل مختلف شده است. اگر این فرصت را از دست بدهیم لطمه جدی به اعتماد بخش دیگری از جامعه وارد کرده‌ایم که واقعا یک فرصت‌سوزی جدی خواهد بود.

**چه درصدی از عدم مشارکت را می‌توان به ترس از انتقال ویروس کرونا مربوط دانست؟**

غیر از عواملی که اشاره داشتم عوامل مختلفی دیگری هم تأثیر دارد و کرونا هم تأثیر داشت. به‌ویژه اینکه رسانه‌های بیگانه خیلی روی این مساله کار کردند که مردم بیرون نیایند، محل‌های انتخابات آلوده است و می‌تواند موجب بیماری شود، یعنی آلوده شدن را در پی داشته باشد و... الان وقتی آمارها را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که مشارکت شمال شهر تهران در انتخابات دوم اسفندماه ۸۰ درصد است. این به این معنی است که آنها تحت تأثیر این بحث‌ها و القانات قرار گرفتند.

**و فکر می‌کنید اگر کرونا نبود این ۵ درصد چه میزان بود؟**

قطعاً بیشتر بود.

**با توجه به یاسی که ابتدای بحث اشاره کردید این عدد قابل توجه بود یا خیر؟**

نمی‌توانم بگویم چند درصد بیشتر می‌شد ولی در عین حال اینها هرکدام یک میزانی تأثیر داشتند. ولی به هر ترتیب درصد قابل توجهی مربوط به ناامیدی ناشی از عملکرد دولت و اصلاح طلبان است. اشاره کردم در نظر سنجی‌هایی که قبلاً داشتیم عملکرد شورای نگهبان ۲ درصد بیشتر در مشارکت موثر نبود، کما اینکه در شهرهایی که رقابت خیلی گسترده وجود داشت هم باز مشارکت پایین بود. بنابراین آن ناامیدی از عملکرد دولت نقش قابل توجهی دارد.

**با این وصف تحریم را هم نمی‌توانیم خیلی اثرگذار بدانیم؟ چون تحریمی اگر هست باز به عملکرد دولت باز می‌گردد؟**

البته تحریم‌ها در ارتباط با یک قشری تأثیرگذار است،

یعنی برخی از اقشار که در مسائل بین‌المللی نظارتی دارند که آن نظرات متأثر از فشارهای بیگانه است، آن را هم نمی‌توان نادیده گرفت. آن هم بر یک‌درصدی از جامعه تأثیر گذار است. آنها تصور می‌کنند رفاه جامعه در گرو کوتاه آمدن در برابر غرب است. درست است که درصد قابل توجهی نیستند اما در عین حال یک‌درصدی هستند.

**از این به بعد در صحنه سیاست باید چه اتفاقی رخ دهد؟ اصولگرایان یک سال تا انتخابات ۱۴۰۰ فرصت دارند تا عملکرد و برنامه‌های عملیاتی خود را به مردم عرضه کنند. باید چه اقداماتی انجام دهند تا به آسیب جریان اصلاح طلب مبتلا نشوند؟**

من امیدوارم این فرصتی که جامعه امروز به اصولگرایان داده، مغتنم شمرده شود و با تمام توان در مسیر احیای اعتماد جامعه حرکت شود. اگر مسائل فرعی را اصلی نکنند، اگر برخی دعوای جای توجه به مسائل مردم را نگیرند، اگر غفلت‌ها و دام‌هایی که برای نمایندگان مردم گسترده می‌شود به‌ویژه توسط قوه مجریه تا نمایندگان را در خدمت خود قرار دهند و مسائل و آفات دیگر قطعاً باید نسبت به این آفات توجه شود و هیچ کدام از این آفات نتواند فرصتی که در اختیار اصولگرایان قرار گرفته را به مسیر باطل بکشاند و موجب نشود که یک تلاش موثر و مفید برای تقویت ساختارهای قانونی و اصلاحات جدی که از طریق مجلس ممکن است صورت بگیرد، انجام شود؛ قدری بتوانیم برخی ضعف‌ها را جبران کنیم.

**جریان اصلاحات چطور؟ با توجه به اینکه خودشان هم اعتراف می‌کردند بدنه اجتماعی آنها آسیب دیده است. از طرف دیگر در این انتخابات شاهد بودیم در جریان اصلاح طلب تغییرات جدی رخ داد و به‌عنوان مثال حزب کارگزاران حد و مرز خود را با سایر اصلاح طلبان نشان داد.**

من فکر می‌کنم جریان اصلاحات به این سو خواهد رفت تا برخی نیروهای تندرو را از ویتترین خود دور کند، البته این آفت برای اصولگرایان هم ممکن است رخ دهد که برخی نیروهای تندرو دوران پیدا کنند. لذا باید نسبت به این مساله هم توجه شود کما اینکه برای اولین بار برخی از جریانات اصلاح طلب نسبت به نیروهای تندرو واکنش نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند آنها را از ویتترین خود کنار بگذارند. این چیزی است که به نظر هم باید اصولگرایان نسبت به آن حساسیت داشته باشند و هم اصلاح طلبان!

**برای این خروج تندروها از ویتترین اصلاحات مصدق می‌دارید؟**

من هم از حزب کارگزاران این را برداشت می‌کنم و هم از اقداماتی که در ارتباط با ارائه لیست یا عدم لیست در جریان اصلاح طلب رخ داد. خیلی از جریانات درون طیف اصلاح طلب مایل بودند لیست منتها از جنجال آفرینی‌های نیروهای تندرو واهمه داشتند که باید این کارگزاران این ترس را شکست و اقدام به انتشار لیست کرد ولی سایر جریانات اصلاح طلب همین تمایل را داشتند مثل جریان مردم‌سالاری و امثالهم مایل بودند که لیست دهند.

**در نهایت هم در قالب ائتلاف لیست دادند.**

بله، منتها مستقل نبود و معتقد بودند اصلاح طلبان در این زمینه باید لیست قوی ارائه دهند ولی بیشتر اینها قدری از جنجال آفرینی‌های تندرو واهمه داشتند که باید این واهمه پشت سر گذاشته شود و بتوانند با قوت با نیروهای تندرو برخورد کنند کما اینکه اصولگرایان هم باید در برابر نیروهای تندروی خود قدری ایستادگی جدی تری داشته باشند؛ البته اصولگرایان در این زمینه کارنامه بهتری دارند، اما با این وجود فکر می‌کنم ایستادگی در برابر نیروهای تندرو باید تقویت شود.